

مشارکت جوامع روستایی در تصمیم‌گیری، نظارت و ارزشیابی مدیریت خشکیدگی جنگل‌های بلوط استان کهگیلویه و بویراحمد

اسماعیل کرمی دهکردی^{۱*}، راضیه منصوری نژاد^۲ و جواد رحیمیان^۳

*- نویسنده مسئول، دانشیار، گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

پست الکترونیک: e.karamidehkordi@googlemail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

۳- اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان کهگیلویه و بویراحمد، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۹

چکیده

جنگل‌های زاگرس در دهه اخیر، با پدیده خشکیدگی مواجه شده‌اند و تبدیل به یکی از دغدغه‌های مهم ذی‌نفعان از جمله جوامع روستایی و عشایری شده است. موفقیت مدیریت خشکیدگی مستلزم مشارکت خانوارهای روستایی وابسته به این جنگل‌ها است. هدف پژوهش حاضر بررسی میزان مشارکت جوامع روستایی در تصمیم‌گیری، تهیه، نظارت و ارزشیابی مدیریت خشکیدگی جنگل‌های بلوط است. داده‌ها از طریق یک روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی با استفاده از مصاحبه ساختارمند گردآوری شده و نمونه‌ای متشکل از ۲۵۰ خانوار روستایی ساکن در اطراف جنگل‌های آلوده به خشکیدگی در استان کهگیلویه و بویراحمد از طریق یک روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. روایی محتوایی پرسشنامه از طریق نظرات متخصصان مرتبط و پایایی ابزار با استفاده از آزمون راه‌نما و محاسبه ضریب کرونباخ آلفا (مقادیر بین ۰/۶۶۲ تا ۰/۹۸۱) بدست آمد برای تحلیل روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردید. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بیشتر پاسخگویان مشارکت ضعیفی در مراحل مختلف مدیریت خشکیدگی داشتند و مشارکت‌کنندگان اغلب در نقش دریافت‌کننده اطلاعات یا ارائه‌دهندگان اطلاعات در مرحله شناسایی خشکیدگی و حفاظت از پروژه‌های اجرا شده فعالیت کرده بودند. تحلیل همبستگی و رگرسیون نشان داد که مشارکت روستاییان به طور مثبت و معنی‌داری تحت تأثیر متغیرهایی همچون خسارت خانوارها ناشی از خشکیدگی، درصد جنگل آلوده شده در منطقه، سطح تحصیلات، توانایی مالی و فکری خانوار در مشارکت، میزان تعاملات با کنشگران بیرونی، شرکت در دوره‌های ترویجی، و مداخله و حمایت‌های مالی برای ارتقای مشارکت توسط سازمان‌های بیرونی است.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، خانوار روستایی، جنگل‌های زاگرس، مدیریت خشکیدگی، کهگیلویه و بویراحمد.

مقدمه

جنگل‌ها از مهمترین منابع طبیعی تجدید شونده‌اند و ۳۰ درصد سطح زمین در جهان را به خود اختصاص داده‌اند. سطح و کیفیت جنگل‌ها در سال‌های اخیر به دلیل افزایش جمعیت جوامع انسانی، تبدیل کاربری اراضی و عدم اجرای روش‌های مدیریتی علمی و فراگیر رو به کاهش نهاده است (Parvaneh et al., 2011). یکی از بحران‌های مهم، پدیده خشکیدگی است. پدیده زوال و خشکیدگی درختان برای اکثر جنگل‌های جهان اتفاق افتاده است. این پدیده نیز به شدت با گرم شدن کره زمین و آلودگی هوا در ارتباط است (Woo, 2009). خشکیدگی گونه‌های مختلف جنگلی در کشورهای آمریکا، انگلستان، ترکیه، عراق، اسپانیا، پرتغال، یوگسلاوی سابق، ایتالیا، اتریش، مراکش، اسلوانی، ایران و چندین کشور دیگر بخصوص در منطقه مدیترانه گزارش شده است (Forest Rangelands and Watershed Management Organisation, 2014). در کشور ایران، بیشتر درختان بلوط ایرانی در ناحیه رویشی زاگرس به علل مختلف تهدید کننده از جمله تأثیر منفی ریزگردها، خاک‌های فرسایش یافته، خشکسالی، تنش‌های محیطی، و آفات و بیماری‌ها در حال زوال هستند (Barazmand et al., 2013; Modaberi & Khademikia, 2014).

جنگل‌های استان کهگیلویه و بویراحمد نیز از جمله جنگل‌هایی هستند که در سال‌های اخیر به شدت تحت تأثیر پدیده خشکیدگی قرار گرفته‌اند. این پدیده به دلیل آفات (همچون سوسک چوبخوار، بیماری قارچی ذغالی شدن، بیماری قارچ شانکر و بلایت نکتریایی) و عوامل محیطی (بوژه تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌ها) بوده و به مرگ درختان جنگلی، بوژه درختان بلوط، در ۱۷ منطقه و با وسعت بیش از ۱۱۲۲۰۰ هکتار در این استان از جمله مناطق ده برآفتاب، چیتاب، میمند، گناوه گچساران، لنده، خائیز، بوستان، تولگهی، دشت سی‌سخت، توت نده، تلگاه انجامیده است. در سه منطقه لنده، بوستان و کوه خائیز بحران خشکسالی شدت بیشتری داشته است (Arefipour et al., 2006; Natural Resources and Watershed

Management Administration, 2013, 2015). پدیده خشکیدگی در استان کهگیلویه و بویراحمد در پنج سال اخیر رو به گسترش بوده است. بر اساس برآوردهای اولیه در سال ۱۳۹۲، سطح ۶۰۰۴۰ هکتار از عرصه‌های جنگلی در معرض بیماری خشکیدگی بلوط قرار گرفته بودند، ولی این سطح آلودگی در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ افزایش یافت و به سطح فوق رسید (Forest Rangelands and Watershed Management Organisation, 2014, 2015). این پدیده به نوبه خود جوامع روستایی و عشایری وابسته به این جنگل‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

بنا به اطلاعات اداره کل منابع طبیعی استان کهگیلویه و بویراحمد، برای مدیریت خشکیدگی، اقداماتی از جمله جلوگیری از گسترش بیماری ذغالی از طریق قطع و امحاء درختان خشکیده، ذخیره‌سازی رطوبت برای درختان موجود از طریق احداث بانکت، احیای نسبی زیر اشکوب عرصه با اجرای قرق و حفاظت و خروج دام از عرصه، زادآوری طبیعی با حفاظت و قرق در سطح محدود، قطع جست‌دهی کنده‌های درختان قطع شده (مبتلا به بیماری) در بعضی از مناطق انجام شده است (Natural Resources and Watershed Management Administration, 2015). ولی مشخص نیست که راه‌حل‌های معرفی شده جهت مدیریت خشکیدگی، توسط چه کسانی انجام گردیده‌اند. به بیان دیگر، مشخص نیست نقش دولت، مردم و دیگر کنشگران در این زمینه چگونه تعریف شده است.

امروزه مشارکت در مدیریت منابع طبیعی و بوژه مدیریت جنگل‌ها به عنوان هسته مرکزی استراتژی‌های توسعه پایدار ملی، منطقه‌ای و محلی به شمار می‌رود و یک پیش‌شرط ضروری برای موفقیت و پایداری فعالیت‌های توسعه بخصوص در جوامع روستایی محسوب می‌شود. مشارکت توده مردم یک راه مناسب برای حفظ و تقویت توانایی‌ها و کارایی مردم روستایی به ویژه بهره‌برداران از منابع طبیعی محلی و تولید کشاورزی است (Karamidehkordi & Ansari, 2012). مطالعات انجام گرفته در مورد مشارکت جامعه روستایی در مدیریت پایدار

عوامل اقتصادی- اجتماعی و ارتباط بین مشارکت ساکنان جنگل در جنگلداری و توسعه مناطق جنگلی به این نتیجه رسیدند که سن، مشارکت در برنامه‌های ظرفیت‌سازی، وابستگی به جنگل، مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انگیزه‌های اجتماعی و اقتصادی ارتباط مثبت و قابل توجهی با مشارکت ساکنان جنگل در جنگلداری و توسعه مناطق جنگلی دارند. همچنین کمک‌های مالی و فنی به ساکنان جنگل به عنوان یکی از اقدامات حفاظتی از جنگل‌ها است. (Flint & Luloff, 2007) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که آسیب‌پذیری اقتصادی- اجتماعی و بیوفیزیکی، نزدیکی به خطر، تجربه، درک ریسک، و ظرفیت‌های تعاملی و واکنشی محلی به طور معنی‌داری بر فعال بودن اهالی یک جامعه در پاسخ به مسایل بفرنج جنگل ناشی از شیوع سوسک پوستخوار درختان جنگلی (Spruce bark beetles) صنوبر در آلاسکا مؤثر بود.

(Heidari et al., 2014) با تاکید بر نقش سرمایه‌های اجتماعی بر مشارکت در اجرای طرح‌های مرتعداری مشخص نمودند که برای ارتقای مشارکت در اجرای طرح‌های منابع طبیعی باید تمهیدات لازم جهت تقویت سرمایه‌های اجتماعی مجریان و بهره‌برداران فراهم گردد. Solomon و همکاران در سال ۲۰۱۵ در مطالعه تحت عنوان عوامل تعیین‌کننده مدیریت مشارکتی جنگل در اتیوپی به این نتیجه رسیدند که شکاف دانش، دسترسی و فاصله تا جنگل‌ها، محدودیت در درآمد و نیاز شدید مردم از عوامل تعیین‌شده برای استقرار و مشارکت در مدیریت مشارکتی جنگل در منطقه مورد مطالعه است. در نتیجه ایجاد آگاهی، ارائه منابع جایگزین برای درآمد و انرژی راه‌های کلیدی برای حفظ منابع جنگل می‌باشد.

در مورد مشارکت مردم در مدیریت خشکیدگی در ایران هنوز مطالعه مشخصی صورت نگرفته است و دانش کافی در این زمینه موجود نیست. پرسش مهم در این زمینه آن است که چه نوع مشارکتی را باید در نظر گرفت و آن را عملیاتی نمود. مشارکت را از چند بعد می‌توان بررسی نمود: (۱) مشارکت در فرایند برنامه‌ریزی شامل مراحل تصمیم‌گیری،

منابع طبیعی نشان می‌دهد که بحران‌های منابع طبیعی بدون مشارکت فعال جامعه روستایی کمتر با موفقیت مدیریت می‌شوند. مشارکت باعث نظارت و کنترل و اجرای مدیریت منابع طبیعی، حفظ منابع طبیعی، مدیریت پایدار می‌شود. عدم موفقیت بسیاری از طرح‌های منابع طبیعی ناشی از نادیده گرفتن نقش مردم و مسائل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با آنها بوده است (Fodsi et al., 2013; Heidari et al., 2014; Karamidehkordi & Ansari, 2012; al., 2014; Moghim, 2007). در ادبیات نوین توسعه، جنگل به عنوان یک نظام اجتماعی- بوم‌شناسانه شناخته می‌شود و مدیریت جنگل به عنوان یک سیستم توسعه جدید است که مشارکت مردم محلی را در مدیریت، توسعه و حفاظت از جنگل‌ها تضمین می‌کند (Al-Subaiee, 2014). مدیریت مشارکتی جنگل بر زندگی مردم محلی و گروه‌های اجتماعی آنها که در نزدیکی جنگل هستند متمرکز می‌باشد. مدیریت مشارکتی جنگل به جامعه محلی به عنوان ذی‌نفعان کلیدی برای پایداری جنگل تاکید دارد و مشارکت آنها را به صورت فعال مورد توجه قرار می‌دهد (Solomon et al., 2015). در مطالعه‌ای تحت عنوان روش‌های داوطلبانه در حفاظت از جنگل‌های اتریش (Frank & Müller, 2003)، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که مشارکت داوطلبانه توسط مالکان خصوصی به عنوان یک رویکرد خاص در حفاظت از تنوع زیستی اثر داشته است. در واقع یکی از بحرانها و دلایل عدم موفقیت برنامه‌های حفاظت از جنگل‌ها در دنیا، فقدان یک رویکرد مدیریتی هماهنگ و مشارکت فعال جوامع محلی است (Loo et al., 2014).

مشارکت از چند بعد مفهوم‌سازی شده است: مشارکت در فرایند برنامه‌ریزی شامل مراحل تصمیم‌گیری، اجرا، و نظارت و ارزشیابی؛ نردبان و سطوح مشارکت (Pretty et al., 1995)؛ و مشارکت در مراحل مختلف مدیریت یک پروژه (Karamidehkordi, 2012). مطالعات همچنین عوامل مختلفی را بر مشارکت ذکر کرده‌اند. (Gurunathan & Govindaraj, 2012) در مطالعه‌ای با هدف بررسی

فعالیت‌های مکانیکی و بیولوژیکی، ۴) مرحله حفاظت از فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی، و ۵) مرحله نظارت و ارزشیابی از فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی. براساس گونه‌های مختلف مشارکت، در ارزیابی مشارکت در تصمیم‌گیری پیرامون هر یک از مراحل پنجگانه مدیریت خشکیدگی ۱۳ پرسش با طیف دو وجهی (۱=انجام فعالیت مشارکتی و ۰=عدم انجام یا عدم اطلاع) استفاده شد. همچنین برای ارزیابی مشارکت در نظارت و ارزشیابی مدیریت خشکیدگی از ۶ پرسش دو وجهی (۱=انجام فعالیت مشارکتی و ۰=عدم انجام یا عدم اطلاع) استفاده شد.

جهت بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت خانوارهای روستایی در مدیریت خشکیدگی جنگل، متغیرهای فاصله روستا تا مرکز شهرستان، وابستگی خانوارها به جنگل، خسارت خانوار ناشی از خشکیدگی، درصد جنگل آلوده شده/ خسارت دیده در منطقه، سطح سواد پاسخگو، عضویت خانوار در تشکل‌های روستا، توانایی فکری مشارکت خانوار، توانایی مالی مشارکت خانوار، میزان سرمایه اجتماعی خانوار درون جوامع (بین اعضای جامعه روستایی)، میزان سرمایه اجتماعی خانوار مربوط به تعاملات با کنشگران بیرونی (بین جامعه و کارشناسان اداره کل منابع طبیعی و جهاد کشاورزی)، میزان مراجعه کارشناسان به خانوار در طی ۲ سال گذشته، شرکت در دوره‌های ترویجی، مداخله و حمایت‌های مالی برای ارتقای مشارکت، و میزان وابستگی خانوار به جنگل بررسی شدند. روایی محتوا و ظاهری پرسشنامه با کمک پانل‌های تخصصی استادان و کارشناسان مرتبط تایید شد. برای تحلیل روایی سازه و ساخت شاخص کلی مشارکت مردم در مدیریت خشکیدگی از تحلیل عاملی تاییدی استفاده گردید. همچنین جهت تعیین پایایی سازه‌های مورد پژوهش، از روش کودر-ریچاردسون و محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شد (مقادیر بین ۰/۶۶۲ تا ۰/۹۸۱). مطالعه در مناطق روستایی واقع در اطراف جنگل‌های بلوط آلوده به خشکیدگی در استان کهگیلویه و بویراحمد انجام گردید. براساس آمار ارائه شده از سوی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان، تعداد ۵۷۷۱ خانوار در ۴۴ روستا، شهر و منطقه عشایری

اجرا، و نظارت و ارزشیابی؛ ۲) سطوح مشارکت (Pretty et al., 1995؛ و ۳) مراحل مدیریت یک پروژه که در اینجا مدیریت خشکیدگی جنگل نام گرفته است. پژوهش (Karamidehkordi, 2012) نشان داد ترکیب این سه بعد می‌تواند چارچوب مفهومی قوی‌ای را برای بررسی مشارکت فراهم سازد. بنابراین هدف این پژوهش آن است که مشخص کند مردم چگونه و به چه میزان در تصمیم‌گیری‌ها، نظارت و ارزشیابی پروژه‌های مدیریت خشکیدگی جنگل‌های بلوط مشارکت داشته‌اند، همچنین چه عواملی بر مشارکت آنها مؤثر است و چگونه می‌توان مشارکت آنها را افزایش داد.

مواد و روش‌ها

در این پژوهش از یک روش‌شناسی مبتنی بر پیمایش توصیفی-تحلیلی استفاده شد. این روش‌شناسی با استفاده از مصاحبه‌های ساختارمند با خانوارهای روستایی با بهره‌گیری از پرسشنامه انجام گرفت، هرچند در تهیه پرسشنامه از فنون بررسی اسناد، مشاهده مستقیم از جنگل‌ها و طرح‌های انجام شده و مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با کارشناسان اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان کهگیلویه و بویراحمد استفاده شد. برای سنجش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، نظارت و ارزشیابی پروژه‌های مدیریت خشکیدگی، سه بعد در نظر گرفته شد که از ترکیب آنها شاخص‌ها و زیر شاخص‌های مشارکت بررسی شدند: ۱) مراحل مشارکت بر اساس سه مرحله فرایند برنامه‌ریزی، ۲) گونه‌شناسی هفتگانه مشارکت (Karamidehkordi, 2012; Pretty et al., 1995)، و ۳) مراحل پنجگانه مدیریت خشکیدگی. هرچند سه مرحله فرایند برنامه‌ریزی شامل مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت در اقدامات اجرایی، و مشارکت در نظارت و ارزشیابی مدیریت خشکیدگی در یک پروژه بزرگتر بررسی شد، به دلیل محدودیت فضای این مقاله، صرفاً مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، نظارت و ارزشیابی پروژه‌های مدیریت خشکیدگی گزارش می‌شود. مراحل پنجگانه مدیریت خشکیدگی نیز عبارتند از: ۱) مرحله شناسایی، ۲) مرحله نقشه‌برداری، ۳) مرحله اجرای

کیلومتر (حداقل ۰ و حداکثر ۵ کیلومتر)، فاصله روستا تا جاده اصلی ۱/۵ کیلومتر (حداقل ۰ و حداکثر ۱۸ کیلومتر)، فاصله روستا تا مرکز دهستان ۸/۲ کیلومتر (حداقل ۰ و حداکثر ۲۵ کیلومتر) و فاصله روستا تا مرکز شهرستان ۳۸/۹ کیلومتر (حداقل ۳ و حداکثر ۸۰ کیلومتر) است.

۲- مشخصات فردی

توزیع فراوانی سطح تحصیلات سرپرست خانوار نشان داد که سطح سواد متوسط در بین سرپرستان خانوار حد ابتدایی و در بین پاسخگویان در حد متوسط ارزیابی شد. حدود ۴۰ درصد سرپرستان و حدود ۲۷/۶ درصد از پاسخگویان بی‌سواد گزارش شدند. در بین سرپرستان باسواد نیز ۲۴ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۲۴ درصد متوسطه و دیپلم و ۱۲ درصد تحصیلات دانشگاهی (فوق دیپلم و بالاتر) داشتند. در بین پاسخگویان باسواد نیز ۱۹/۲ درصد در حد ابتدایی و راهنمایی، ۳۰ درصد در سطح متوسطه و دیپلم و ۲۳/۲ درصد در حد دانشگاهی تحصیلات داشتند. میانگین سن سرپرست خانوار برابر ۵۰/۱ سال و میانگین سنی پاسخگویان مورد مطالعه ۴۰/۸ سال ارزیابی شد. میانگین تعداد فرزند پاسخگو ۳/۴ نفر و بعد خانوار برابر ۴/۶ نفر بدست آمد. یافته‌های موجود در مورد شغل اصلی سرپرست خانوار حکایت از آن دارد که بالاترین درصد مربوط به خدمات (آزاد، راننده، بنا، نانوا، مغازه‌دار، قالیباف، تعمیرکار، ضایعاتی، نجار و خیاط) با ۳۵/۲ درصد و زارع و دامدار (شامل زارع، دامدار، باغدار و سبزیفروش) با ۳۳/۶ درصد دومین بوده است.

۳- وابستگی معیشت خانوار به جنگل‌های بلوط و خسارت‌های ناشی از خشکیدگی

با توجه به جدول ۱، پاسخگویان از لحاظ وابستگی خانوارشان به جنگل‌های بلوط با یکدیگر متفاوت بودند، هرچند که به طور کلی درصد کمی از خانوارها وابستگی زیاد یا متوسط به جنگل داشتند. بیشترین وابستگی‌ها مربوط به کشت غلات در جنگل بلوط، اهمیت جنگل‌ها

واقع در ۷ شهرستان این استان تحت تاثیر مستقیم خشکیدگی قرار داشتند. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری (Krejcie & Morgan, 1970) حجم نمونه با خطای نمونه‌گیری ۶ درصد محاسبه شد که با حداکثر واریانس (۰/۲۵) و مقدار کای اسکور با ۹۵ درصد اطمینان (۳/۸۴۱)، حجم نمونه ۲۴۸ نفر محاسبه شد (Pezeshki-Raad & Karamidehkordi, 2012). در نهایت از ۲۵۰ نفر مصاحبه به عمل آمد. این نمونه با استفاده از یک روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب گردید. در مرحله اول، شهرستانهایی انتخاب شدند که جمعیت مورد نظر روستایی بود. همچنین روستاهایی انتخاب شدند که حداقل تعداد خانوار هر روستا ۲۰ خانوار یا بیشتر بود که بر این اساس ۲۰ روستا با جمعیت ۱۲۶۴۴ نفر و ۳۵۰۰ خانوار به شرح زیر انتخاب شدند. این روستاها شامل ۱۲ روستا در شهرستان بویر احمد، چهار روستا در شهرستان کهگیلویه، یک روستا در شهرستان باشت و سه روستا در شهرستان دنا بود.

در مرحله بعد، بر اساس روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، از بین روستاهای انتخاب شده، ابتدا به نسبت تعداد خانوارها هر روستا، تعداد نمونه هر روستا محاسبه و تعدیل شده و با توجه به اینکه برخی روستاها جمعیت کمتری داشتند، حداقل تعداد نمونه هر روستا ۵ نفر در نظر گرفته شد. در مرحله آخر، بر اساس یک روش نمونه‌گیری سیستماتیک، خانوارهای درون روستاها انتخاب شدند و با افرادی که در طی فرایند گردآوری داده‌ها در روستا حضور داشتند مصاحبه شد. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های توصیفی و استنباطی بوسیله نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. برای ساخت شاخص مشارکت از تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده گردید. همچنین آزمون همبستگی و رگرسیون چندگانه برای بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت بکار گرفته شد.

نتایج

۱- مشخصات جغرافیایی

فاصله محل اقامت پاسخگویان تا جنگل و مراکز اقامتی نشان داد که به طور میانگین فاصله روستا تا جنگل ۰/۴

درصد کشت غلات در جنگل‌های بلوط و ۶۲ درصد افراد تاحدی یا زیاد برای گردشگری و استراحت خانوار و اقوام خود به جنگل وابسته بودند.

برای استراحت و گردشگری خانوار و اقوام پاسخگویان، اهمیت جنگل برای تهیه جفت، نان و تغذیه انسان، استفاده از قسمت‌های بلوط برای مصارف دارویی، و استفاده از میوه و برگ درختان بلوط برای تغذیه دام بود. به گونه‌ای که ۵۴/۸

جدول ۱- توزیع فراوانی وابستگی خانوار به جنگل‌های بلوط از دید خانوارهای روستایی (n=۲۵۰)

گرایش به مرکز و پراکندگی		توزیع فراوانی نسبی					
انحراف معیار	میان	میانگین*	زیاد	متوسط	کم	هیچ	
۱	۰	۰/۷	۷/۲	۱۵/۶	۱۶/۴	۶۰/۸	برگ درختان بلوط برای تغذیه دام
۱	۰	۰/۸	۹/۶	۱۵/۲	۲۲/۴	۵۲/۸	میوه درختان بلوط برای تغذیه دام
۰/۸	۰	۰/۵	۴/۴	۷/۲	۲۶/۸	۶۱/۶	چوب بلوط برای تامین سوخت
۰/۴	۰	۰/۱	۰/۴	۱/۶	۶	۹۲	چوب درختان بلوط برای خانه سازی
۰/۸	۰	۰/۵	۳/۲	۱۱/۲	۱۸	۶۷/۶	برای تهیه زغال و فروش
۰/۵	۰	۰/۱	۰	۴/۴	۵/۶	۹۰	برای تهیه صنایع دستی
۰/۹	۱	۱	۴	۲۷/۶	۳۳/۲	۳۵/۲	برای تهیه جفت (۱)، نان و تغذیه انسان
۰/۴	۰	۰/۱	۰	۱/۲	۱۰	۸۸/۸	شهد درختان بلوط برای خود مصرفی
۰/۸	۱	۰/۸	۲/۸	۱۹/۶	۳۵/۶	۴۲	قسمتهای بلوط برای مصارف دارویی
۱	۲	۱/۷	۲۱/۲	۴۰/۸	۲۴/۴	۱۳/۶	جنگل بلوط برای استراحت و گردشگری خانوار و اقوام
۱	۲	۱/۴	۱۰	۴۴/۸	۲۰/۸	۲۴/۴	کشت غلات در جنگل بلوط
۰/۶	۰	۰/۳	۱/۲	۴/۸	۱۴	۸۰	درآمدزایی جنگل‌های بلوط باحضور گردشگران

*مقیاس: ۰=هیچ، ۱=کم، ۲=متوسط، ۳=زیاد

(۱) بعد از جدا کردن پوسته سخت میوه بلوط، آن را زیر نور مستقیم آفتاب قرار می‌دهند تا کاملاً خشک و سفت شود که در این صورت لایه نازک قهوه ای رنگ آن که جفت نام دارد از آن به راحتی جدا و خشک می‌شود و آن را به صورت پودر در آورد می‌آورند که کاربرد آن از جمله: تهیه مشک، به عنوان رنگ طبیعی، درمان زخم و عفونت های شدید معده، از بین بردن جوش های صورت، سفت کننده پوست است.

بین خسارت‌های کاهش رفاه مردم محلی، کاهش گونه‌های گیاهی، تخریب جنگل‌های بلوط، کاهش علوفه دام در جنگل، تخریب تفرجگاه‌ها و استراحتگاه اهمیت بیشتری برای مردم داشتند، به گونه‌ای که ۵۶ تا ۶۹ درصد افراد اهمیت آنها را در حد متوسط یا زیاد برای خانوار خود بیان کردند. همچنین کاهش علوفه دام در اطراف جنگل، افزایش فرسایش خاک، کاهش حیوانات وابسته به جنگل در رتبه-های بعدی تاحدی برای مردم مهم بودند (۴۸ - ۵۳ درصد). همچنین خسارت‌های قرق شدن و کاهش تعداد گوسفند و بز از سوی افراد کمتری مهم تلقی شدند (۳۴ - ۳۶ درصد).

همچنین استفاده از چوب برای تهیه سوخت، تهیه زغال و فروش در حد کم وابستگی مطرح شد و کمترین وابستگی در خصوص استفاده از چوب درختان بلوط برای خانه‌سازی، صنایع دستی، استفاده از شهد درختان بلوط برای خود مصرفی و در آمدزایی جنگل‌ها با حضور گردشگران می‌باشد. در نتیجه میزان وابستگی افراد در حد کم می‌باشد.

به طور کلی با توجه به جدول ۲ خشکیدگی جنگل‌های بلوط تاحدی خسارت‌هایی را به معیشت خانوارهای روستایی وارد کرده و آن‌ها را آسیب‌پذیر نموده بود. در این

افتاده است که بیشترین درصد تخریب جنگل‌های بلوط را بین ۱ تا ۲۰ درصد تخمین زده‌اند. شایان ذکر است که بیشتر از یک چهارم پاسخگویان معتقدند که ۲ تا ۲۰ درصد فرسایش خاک رخ داده است و ۱۳/۶ درصد، ۲۵ تا ۸۰ درصد فرسایش خاک را بیان کردند که باعث خسارات زیاد و جبرانناپذیری بر مناطق جنگلی می‌شود.

یافته‌ها همچنین مشخص نمود که از دید ۱۶/۲ درصد خانوارها، تعداد ۲ تا ۲۰ گوسفند و بز و از دید ۸ درصد آنان بین ۲۰ تا ۱۰۰ گوسفند و بز کاهش یافته است. ۵۵ درصد خانوارها نتوانستند عدد دقیق کاهش گوسفند و بز را بیان نمایند. از دید ۴۱/۶ درصد خانوارها، ۱ تا ۲۰ درصد و از دید ۲۶/۸ درصد ۲۰ تا ۹۰ درصد تخریب جنگل اتفاق

جدول ۲- درصد خسارت‌های خشکیدگی بلوط از دید خانوارهای روستایی (n=۲۵۰)

انحراف معیار	توزیع فراوانی نسبی						درصد خسارت‌های خشکیدگی بلوط
	میانگین*	میان	زیاد	متوسط	کم	هیچ	
۰/۹	۲	۱/۸	۲۶/۴	۳۴/۸	۳۰/۴	۸/۴	کاهش علوفه دام در جنگل
۰/۹	۲	۱/۶	۱۶	۳۵/۶	۳۶	۱۲/۴	کاهش علوفه دام در اطراف جنگل
۰/۹	۱	۱/۲	۶/۸	۲۷/۲	۴۴/۴	۲۱/۶	قرق شدن
۰/۹	۱	۱/۳	۱۰	۲۶/۴	۴۳/۲	۲۰/۴	کاهش تعداد گوسفند و بز
۰/۹	۲	۱/۹	۲۹/۶	۳۵/۶	۲۸	۶/۸	تخریب جنگل‌های بلوط
۰/۹	۱	۱/۶	۱۸/۸	۲۹/۶	۴۱/۶	۱۰	افزایش فرسایش خاک
۰/۹	۲	۱/۶	۱۸/۸	۳۴	۳۵/۶	۱۱/۶	کاهش حیوانات وابسته به جنگل
۱	۲	۱/۹	۳۴/۸	۳۱/۶	۲۴	۹/۶	کاهش گونه گیاهی
۱	۲	۱/۷	۲۱/۶	۳۴/۸	۳۰/۸	۱۲/۸	تخریب تفرجگاه‌ها و استراحتگاه
۱	۲	۱/۹	۳۷/۲	۳۲	۱۸/۸	۱۲	کاهش رفاه مردم محلی
۱	۱	۱/۱	۱۲/۴	۲۲	۳۱/۶	۳۴	کاهش توریست در منطقه

*مقیاس: ۰=هیچ، ۱=کم، ۲=متوسط، ۳=زیاد

بحرانی، اجرای فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی، حفاظت از فعالیت‌های انجام شده، و نظارت و ارزشیابی پروژه بررسی شده است که مشارکت در تصمیم‌گیری هر یک از این فعالیت‌ها برحسب سطوح مختلف مشارکت به شرح زیر ارزیابی شده‌اند:

الف) در تصمیم‌گیری همه فعالیت‌های مذکور، بیشتر افراد مشارکت نداشته‌اند، به گونه‌ای که حداکثر ۲۵ درصد افراد در این تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته یا معتقد بودند که نمایندگان و اعضای شورای اسلامی روستای آنها مشارکت داشته‌اند.

۴- مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، نظارت و ارزشیابی فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی

مشارکت مردم در تصمیم‌گیری فعالیت‌های مدیریت منابع طبیعی به عنوان نوعی مشارکت فعال جوامع در این پروژه‌ها شناخته می‌شود، ولی در این مطالعه مشارکت در تصمیم‌گیری نیز در سطوح مختلف مشارکت به طور متفاوتی تعریف شده است. همان‌گونه که در جدول ۳ آمده است، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری مدیریت خشکیدگی برحسب فعالیت‌های مختلف شناسایی منطقه خشکیدگی و پهنه‌بندی آن، نقشه‌برداری و مشخص کردن مناطق بحرانی و خیلی

ث) کمترین میزان مشارکت به مشارکت از نوع خودجوش مربوط می‌شد. به طوری که کمتر از ۴ درصد افراد به این نوع مشارکت اشاره داشتند؛ مشارکتی که کارشناسان فقط حمایت اطلاعاتی یا مالی از آنها می‌کردند.

در نتیجه می‌توان گفت درصد کمی از مردم که عمدتاً اعضای شوراهای روستایی یا بزرگان روستا بودند، در تصمیم‌گیری فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی عمدتاً در سطوح پایین مشارکت و در فعالیت‌های شناسایی خشکیدگی دخالت داده شده بودند. در واقع مشارکت در تصمیم‌گیری را می‌توان ضعیف و منفعل ارزیابی کرد.

بر اساس جدول ۴، تقریباً یک پنجم پاسخگویان بیان کردند که در اجرای فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی نظارت انجام گرفته و تنها ۵ درصد آنان به انجام ارزشیابی پس از اجرا اشاره کردند. از دید آنان این نظارت و ارزشیابی توسط کارشناسان اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری انجام می‌شد. حدود ۳۴ و ۴۳ درصد افراد نیز به ترتیب در مورد این نظارت و ارزشیابی اظهار بی‌اطلاعی کردند. این یافته نشان دهنده آن است که از دید مردم، در اجرای فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی، نظارت و ارزشیابی به صورت ضعیف انجام شده است و اگر هم نظارتی در این راستا وجود داشته، اغلب توسط کارشناسان منابع طبیعی صورت گرفته است. تنها ۱۳ درصد افراد به نقش شورا یا بزرگان روستاها در نظارت و ارزشیابی و حدود ۶ درصد به نقش مردم و اعضای خانوار پاسخگو در این فرایند اشاره داشتند.

ب) مشارکت در شناسایی منطقه خشکیدگی بیشتر از مراحل دیگر مدیریت خشکیدگی صورت گرفته بود.

پ) در موارد گزارش شده مشارکت افراد، بیشتر مشارکت‌ها در سطوح پایین مشارکت، از جمله توجیه کردن نمایندگان و شورا توسط کارشناسان منابع طبیعی، مشورت گرفتن از شورا و بزرگان برای حل مشکل خشکیدگی بدون تصمیم‌گیری آنها، گرفتن اطلاعات اولیه از شورا و بزرگان انجام شده‌اند (۱۰ تا ۲۵ درصد پاسخگویان).

ت) مشارکت‌های انجام شده بیشتر مبتنی بر حضور رهبران محلی روستاها از جمله نمایندگان و اعضای شورای اسلامی و بزرگان روستا بوده است. به گونه‌ای که در سطوح پایین مشارکت همچون تصمیم‌گیری در مورد اطلاع رسانی، اطلاع گرفتن و مشورت گرفتن از مردم در فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی، کمتر از ۱۰ درصد افراد عادی مشارکت داشتند، در حالی که این درصد برای رهبران محلی کمتر از ۲۵ درصد بود. همچنین در مشارکت‌های کارکردی همچون شرکت در دوره‌های ترویجی مرتبط و سازماندهی گروه‌های مردمی برای انجام فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی، حدود ۹ درصد افراد مشارکت رهبران محلی را در تصمیم‌گیری‌ها مطرح کردند، در حالی که تنها ۳ تا ۵ درصد افراد عادی در تصمیم‌گیری این فعالیت‌ها دخالت داده شده بودند. در مشارکت مبتنی بر همکاری بین مردم و کارشناسان، نیز این درصد را می‌توان ارائه کرد. به طوری که کمتر از ۵ درصد افراد معتقد بودند که در انجام فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی اگر مردم مخالفت می‌کردند پروژه‌ها اجرا نمی‌شد.

جدول ۳- چگونگی دخالت دادن مردم در تصمیم‌گیری فعالیت‌های خشکیدگی (n=۲۵۰)

نظارت و ارزشیابی پروژه		حفاظت از فعالیت‌های انجام شده			اجرای فعالیت مدیریت خشکیدگی			نقشه‌برداری و مشخص کردن مناطق بحرانی و خیلی بحرانی			شناسایی منطقه خشکیدگی و پهنه‌بندی آن			در تصمیم‌گیری این فعالیت‌ها مردم چگونه دخالت داده شدن	
نمیدانم	بله	خیر	نمیدانم	بله	خیر	نمیدانم	بله	خیر	نمیدانم	بله	خیر	نمیدانم	بله	خیر	
۳۳/۲	۱۹	۴۷/۶	۳۴	۱۹	۴۷/۲	۳۱/۶	۲۱/۲	۴۷/۲	۳۲	۲۲	۴۶/۴	۳۰/۸	۲۵/۶	۴۳/۶	توجه کردن نمایندگان و شورا توسط کارشناسان منابع طبیعی
.	۷/۶	۹۲/۴	.	۷/۲	۹۲/۸	.	۷/۶	۹۲/۴	.	۷/۶	۹۲/۴	.	۹/۶	۹۰/۴	توجه کردن خانوار توسط کارشناسان منابع طبیعی
۳۵/۲	۱۵	۴۹/۶	۳۴/۴	۱۵	۵۰/۴	۳۵/۶	۱۵/۶	۴۸/۸	۳۴	۱۷	۴۹/۲	۳۴/۴	۱۷/۶	۴۸	گرفتن اطلاعات اولیه از شورا و بزرگان توسط کارشناسان منابع طبیعی
.	۷/۲	۹۲/۸	.	۶	۹۴	.	۶	۹۴	.	۶/۴	۹۳/۶	.	۶/۸	۹۳/۲	گرفتن اطلاعات اولیه از خانوار توسط کارشناسان منابع طبیعی
۳۲/۲	۱۰	۵۰/۴	۴۰	۱۱	۴۹/۲	۴۰	۱۰/۸	۴۹/۲	۴۰	۱۱	۴۲/۲	۳۹/۶	۱۱/۶	۴۸/۸	مشورت گرفتن از شورا و بزرگان برای حل مشکل خشکیدگی ولی تصمیم‌گیری خود کارشناسان
.	۵/۲	۹۴/۸	.	۴/۴	۹۵/۶	.	۴/۴	۹۵/۶	.	۴	۹۶	.	۴/۴	۹۵/۶	مشورت گرفتن از خانوار برای حل مشکل خشکیدگی ولی تصمیم‌گیری خود کارشناسان
۱۴	۸/۴	۷۷/۶	۱۴/۴	۹/۲	۷۶/۴	۱۴	۹/۶	۷۶/۴	۱۴/۴	۸/۸	۷۶/۸	۱۴/۸	۸/۸	۷۶/۴	دوره‌های ترویجی برای بزرگان و شورای روستا
.	۲/۸	۹۷/۲	.	۲/۸	۹۷/۲	.	۴	۹۶	.	۳/۲	۹۶/۸	.	۴/۸	۹۵/۲	دوره‌های ترویجی برای خانوار
۳۳/۲	۱/۶	۶۵/۲	۳۲/۸	۲/۴	۶۴/۸	۳۲/۴	۲	۶۵/۶	۳۳/۲	۲	۶۴/۸	۳۲/۴	۳/۲	۶۴/۴	گروه‌های سازمان دهی شده مردمی برای انجام فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی
۳۴/۸	۷/۲	۵۸	۳۲/۸	۸	۵۹/۲	۳۳/۶	۸/۴	۵۸	۳۴/۴	۹/۲	۵۶/۴	۳۳/۶	۱۰/۴	۵۶	حضور شورا در تصمیم‌گیری در مورد فعالیت- های مدیریت خشکیدگی: عدم موافقت آنها به معنی عدم انجام کار تلقی می‌شد
.	۳/۶	۹۶/۴	.	۳/۶	۹۶/۴	.	۴/۴	۹۵/۶	.	۳/۶	۹۶/۴	.	۴/۸	۹۵/۲	حضور خانوار در تصمیم‌گیری در مورد فعالیت- های مدیریت خشکیدگی: عدم موافقت آنها به معنی عدم انجام کار تلقی می‌شد
.	۲/۴	۹۷/۶	.	۲/۸	۹۷/۲	.	۲/۴	۹۷/۶	.	۲/۸	۹۷/۲	.	۴	۹۶	تصمیم‌گیری فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی توسط مردم به صورت خودجوش

جدول ۴- نظارت و ارزشیابی فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی (n=۲۵۰)

نمیدانم	بله	خیر	
۳۳/۶	۲۱/۲	۴۵/۲	نظارت در اجرای فعالیت مدیریت خشکیدگی
۴۲/۸	۴/۴	۵۲/۸	ارزشیابی مفید بودن پس از اجرای فعالیت مدیریت خشکیدگی
۳۹/۲	۱۳/۲	۴۷/۶	حضور شورا یا بزرگان در نظارت یا ارزشیابی کار
.	۵/۲	۹۴/۸	حضورخانوار شما در نظارت یا ارزشیابی کار
۴۴/۴	۵/۶	۵۰	حضوردیگر مردم در نظارت یا ارزشیابی کار
.	۶	۹۴	دادن اطلاعات از طریق دوره‌های ترویجی به مردم

جدول ۵- ماتریس بارهای عاملی متغیرهای مشارکت در تصمیم‌گیری، نظارت و ارزشیابی در مدیریت خشکیدگی با استفاده از تجزیه و تحلیل

مؤلفه‌های اصلی (n=۲۵۰)

متغیرها	بار عاملی
تصمیم‌گیری در مورد شناسایی مدیریت خشکیدگی	۰/۹۶۹
تصمیم‌گیری در مورد نقشه‌برداری مدیریت خشکیدگی	۰/۹۷۵
تصمیم‌گیری در مورد اجرای فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی	۰/۹۷۴
تصمیم‌گیری در مورد حفاظت از فعالیت‌های انجام شده	۰/۹۸۱
تصمیم‌گیری در مورد نظارت و ارزشیابی فعالیت‌های انجام شده	۰/۹۷۳
اجرای نظارت و ارزشیابی فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی	۰/۷۹۵
مقدار ویژه	۵/۳۷۹
درصد واریانس	۸۹/۶۴۷

نظارت و ارزشیابی ۸۹/۶ درصد (مقدار ویژه = ۵/۳۸) محاسبه شد.

۵- توان مالی، فیزیکی و دانشی مردم در مشارکت در پروژه‌های مدیریت خشکیدگی

با توجه به جدول ۶، پاسخگویان در مورد بذرکاری و نهال‌کاری، حذف درختان خشکیده، چاله کنی پای درختان، کپه‌کاری، جمع آوری بذر و نهال در مناطق آسیب دیده از توان دانش متوسطی برخوردار بودند به گونه‌ای که ۶۲ تا ۷۰ درصد آنان توان دانش خود یا اعضای خانوار خود را در این زمینه‌ها در حد متوسط یا زیاد بیان کردند. همچنین در

به منظور ساخت یک شاخص کلی مشارکت در تصمیم‌گیری، نظارت و ارزشیابی جهت تبیین همه متغیرهای بررسی‌کننده مشارکت، از تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) تأییدی استفاده شد. این آزمون کمک کرده تا شاخصی ساخته شود که از روایی سازه بالایی برخوردار باشد. همچنین با کمک این آزمون، به ازای هر یک از مؤلفه‌های حاصل از تحلیل، یک سازه یا متغیر پنهان ساخته می‌شود. با توجه به جدول ۵، مقادیر بارهای عاملی پس از چرخش وریماکس در مؤلفه مربوط به مشارکت در تصمیم‌گیری، نظارت و ارزشیابی نشان می‌دهد که بالاتر از ۱ هستند. مقادیر درصد واریانس کل برای مؤلفه‌های مشارکت در تصمیم‌گیری،

پهنه‌بندی مناطق جنگلی دارای خشکیدگی، نقشه‌برداری از مناطق خشکیده، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در مورد مدیریت جنگل‌های خشکیده در حد کم ذکر شد (۲۷ - ۴۳ درصد در حد متوسط یا زیاد). یافته‌های بدست آمده حکایت از آن دارد که توان فکری و دانشی افراد در مورد بذرکاری و نهال‌کاری در حد بیشترین و در مورد نقشه‌برداری از مناطق خشکیده کمترین سطح را داشت.

زمینه آبیاری مناطق بذرکاری و نهال‌کاری شده، حفاظت و قرق از مناطق مدیریت شده، تهیه گزارش نظارت و ارزشیابی برای مسئولین، مشخص کردن مناطق بحرانی و خیلی بحرانی، ایجاد بانک در مناطق خشکیده و شناسایی مناطق دارای خشکیدگی دانش افراد در حد متوسط بیان شد و ۵۲ تا ۶۲ درصد پاسخگویان دانش خود را در حد متوسط یا زیاد ارزیابی کردند. دانش افراد در موضوعات

جدول ۶- توان فکری و دانشی مردم در مشارکت (n=۲۵۰)

گرایش به مرکز و پراکندگی				توزیع فراوانی نسبی			توانایی فکری مردم در مشارکت
انحراف معیار	میانگین*	میانگین	زیاد	متوسط	کم	هیچ	
۱/۱	۱	۱/۳	۱۷/۲	۲۶/۴	۲۶	۳۰/۴	برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در مورد مدیریت جنگل‌های خشکیده
۱/۱	۲	۱/۵	۲۲/۴	۲۹/۶	۲۲	۲۶	شناسایی مناطق خشکیدگی
۱/۱	۱	۱/۳	۱۷/۲	۲۴	۲۶/۴	۳۲/۴	پهنه‌بندی مناطق جنگلی دارای خشکیدگی
۱	۱	۱	۱۲/۸	۱۴/۴	۳۱/۶	۴۱/۲	نقشه‌برداری از مناطق خشکیده
۱/۱	۲	۱/۷	۳۰/۸	۲۸	۱۸/۴	۲۲/۸	مشخص کردن مناطق بحرانی و خیلی بحرانی
۱/۱	۲	۱/۶	۲۹/۶	۲۶/۴	۲۰	۲۴	ایجاد بانک در مناطق خشکیده
۱/۱	۲	۱/۸	۳۷/۶	۲۸/۸	۱۴	۱۹/۶	حذف درختان خشکیده
۱/۱	۲	۱/۸	۳۴/۸	۲۹/۶	۱۴/۸	۲۰/۸	چاله‌کنی پای درختان
۱/۲	۲	۱/۸	۳۴/۸	۲۸	۱۵/۲	۲۲	کپه‌کاری
۱/۱	۲	۱/۹	۳۹/۲	۳۰/۴	۱۳/۶	۱۶/۸	بذرکاری و نهال‌کاری
۱/۲	۲	۱/۸	۳۵/۶	۲۷/۶	۱۵/۲	۲۱/۶	جمع آوری بذر و نهال در مناطق آسیب دیده
۱/۱	۲	۱/۶	۳۰	۶۲۵	۲۰/۸	۲۳/۶	آبیاری مناطق بذرکاری و نهال‌کاری شده
۱/۱	۲	۱/۷	۳۲/۸	۲۹/۶	۱۶/۴	۲۱/۲	حفاظت و قرق از مناطق مدیریت شده
۱/۱	۲	۱/۶	۲۷/۲	۳۱/۶	۱۹/۲	۲۲	تهیه گزارش نظارت و ارزشیابی برای مسئولین

* مقیاس: ۰=هیچ، ۱=کم، ۲=متوسط، ۳=زیاد

مالی در حد کم را بیان کردند. ولی از لحاظ در اختیار قراردادن نیروی کار خود یا اعضای خانوار بدون دریافت مزد، پاسخگویان توان خود را در حد متوسط بیان کردند (۵۲ درصد در حد متوسط و زیاد).

بر اساس نتایج موجود از جدول ۷، در پاسخ به این پرسش که تا چه حد شما یا خانوار شما توان مالی برای پرداخت دستمزد نیروی انسانی، خرید ابزارآلات مورد نیاز برای مبارزه با خشکیدگی، خرید نهال بلوط در جهت احیای جنگل دارید، بیشتر پاسخگویان عدم توان مالی یا توانایی

جدول ۷- توان مالی در مشارکت در مدیریت خشکیدگی (n=۲۵۰)

گرایش به مرکز و پراکندگی			توزیع فراوانی نسبی				توانایی مالی
انحراف معیار	میان	میانگین*	زیاد	متوسط	کم	هیچ	
۰/۸	۰	۰/۴	۴/۴	۴/۴	۱۳/۶	۷۷/۶	تامین منابع مالی برای پرداخت دستمزد نیروی انسانی
۰/۷	۰	۰/۴	۲/۸	۶/۴	۱۴/۸	۷۶	خرید ابزار آلات مورد نیاز برای مبارزه با خشکیدگی
۰/۹	۰	۰/۵	۵/۲	۱۰/۴	۱۷/۶	۶۶/۸	مشارکت در خرید نهال بلوط در جهت احیای جنگل
۱/۲	۲	۱/۵	۳۰/۴	۲۱/۶	۲۰/۴	۲۷/۶	مشارکت در فعالیت مدیریت خشکیدگی بدون دریافت مزد

* مقیاس: ۰=هیچ، ۱=کم، ۲=متوسط، ۳=زیاد

جدول ۸- سرمایه اجتماعی خانوارهای روستایی درون جوامع روستایی و در ارتباط با کارشناسان بیرونی مرتبط (n=۲۵۰)

گرایش به مرکز و پراکندگی			توزیع فراوانی نسبی				سرمایه اجتماعی رابطه و اعتماد بین مردم
انحراف معیار	میان	میانگین*	زیاد	متوسط	کم	هیچ	
							سرمایه اجتماعی درونی
							رابطه بین مردم روستا
۰/۷	۳	۲/۶	۶۹/۶	۲۶	۱/۲	۳/۲	
۰/۸	۳	۲/۴	۵۲	۳۶	۷/۲	۴/۸	رابطه بین مردم روستا با مناطق روستایی همجوار
۰/۹	۳	۲/۴	۵۸	۲۵/۶	۱۰/۸	۵/۶	رابطه بین مردم روستا و شورا
۰/۷	۳	۲/۶	۷۰/۸	۲۳/۲	۲/۴	۳/۶	رابطه بین مردم روستا و ریش سفیدان
۰/۷	۳	۲/۵	۵۶/۸	۳۵/۲	۵/۶	۲/۴	اعتماد بین مردم روستا با یکدیگر
۰/۸	۲	۲/۲	۴۳/۶	۴۲/۸	۸/۴	۵/۲	اعتماد بین مردم روستا و مناطق روستایی همجوار
۰/۸	۲	۲/۳	۴۹/۲	۳۷/۶	۸	۵/۲	اعتماد بین مردم روستا نسبت به شورا
۰/۷	۳	۲/۶	۶۶	۲۷/۶	۳/۲	۳/۲	اعتماد مردم به ریش سفیدان
۰/۸	۳	۲/۴	۵۶	۳۲	۹/۶	۲/۴	روحیه کار گروهی بین مردم
۰/۹	۲	۲/۲	۴۸/۸	۳۲	۱۲/۴	۶/۸	هدایت شورا جهت کار گروهی
۰/۸	۳	۲/۳	۵۰/۸	۳۳/۲	۱۲/۴	۳/۶	هدایت بزرگان جهت کار گروهی
							روابط و اعتماد بین مردم و کارشناسان بیرونی
۱۰۱	۲	۱/۶	۲۵/۶	۳۰/۸	۲۵/۲	۱۸/۴	رابطه مردم با کارشناسان منابع طبیعی
۱/۱	۲	۱/۷	۲۶/۴	۳۲/۴	۲۳/۲	۱۸	رابطه مردم با کارشناسان جهاد کشاورزی
۱/۱	۲	۱/۶	۲۴	۲۹/۲	۲۶	۲۰/۸	اعتماد مردم به کارشناسان منابع طبیعی
۱/۱	۲	۱/۶	۲۵/۶	۲۹/۶	۲۵/۲	۱۹/۶	اعتماد مردم به کارشناسان جهاد کشاورزی

* مقیاس: ۰=هیچ، ۱=کم، ۲=متوسط، ۳=زیاد

پروژه‌های بیرونی تأثیر می‌گذارد. لذا یافته‌های موجود از جدول ۸ در مورد سرمایه اجتماعی درون جوامع حکایت از

معمولا میزان ارتباطات و سرمایه‌های اجتماعی که افراد یک جامعه دارند در نوع نگاه و رفتار مشارکتی آن‌ها در

پاسخگویان نیز مشوق‌های مادی مالی- فیزیکی دیگر همچون اهدای جایزه آبگرمکن خورشیدی، دادن اجازه استفاده از زغال درختان آفت زده، واگذاری زمین جهت کشت نهال بادام، کنار یا بلوط، واگذاری اجازه بهره‌برداری از محصولات جنگلی، دادن کمک بلاعوض، دادن وام کم‌بهره جهت ارتقای مشارکت افراد داده شده بود.

در مورد شیوه‌های ترویجی- ارتباطی ارتقای مشارکت باید بیان کرد که در طی دو سال اخیر، مراجعه کارشناسان تنها به ۸ درصد خانوارها انجام شده است. همچنین برای کمتر از ۵ درصد خانوارها دوره‌های ترویجی برگزار شده بود. بنابراین برنامه‌های ترویج انفرادی و گروهی بسیار ضعیفی ارائه شده است. حدود ۱۱ درصد افراد عضو تشکلهای مردمی دوستدار طبیعت بودند (جدول ۹). همچنین ۸/۴ درصد پاسخگویان معتقد بودند که تشکلهای زیست محیطی در مدیریت خشکیدگی دخیل بودند، هرچند کمتر از ۵ درصد افراد نقش این تشکلهای را در مدیریت خشکیدگی تاحدی یا زیاد موثر ارزیابی کردند بنابراین این تشکلهای تأثیر بسزایی در مدیریت خشکیدگی جنگلهای نداشته‌اند.

آن دارد که رابطه و اعتماد بین مردم روستا بایکدیگر و بین مردم و رهبران محلی (بزرگان و ریش‌سفیدان) در حدی بالا (میانگین = ۲/۵ تا ۲/۶ از ۳) و بین مردم با اعضای جوامع محلی روستاهای همجوار و شورا در حد متوسط با بالا است (میانگین = ۲/۲ تا ۲/۴ از ۳). علاوه بر این، پاسخگویان اذعان داشته روحیه کار گروهی بین مردم تاحدی وجود دارد و شورا و بزرگان روستا تاحدی مردم را در جهت کارگروهی درون روستا هدایت می‌کنند. از سوی دیگر، روابط و اعتماد بین مردم با کارشناسان منابع رابطه و اعتماد مردم با کارشناسان جهاد کشاورزی در حد متوسط به پایین ارزیابی شد (میانگین = ۱/۶ تا ۱/۷ از ۳). به طور کلی سرمایه اجتماعی درون روستاها در حد نسبتاً مطلوبی قرار دارد، ولی روابط و اعتماد با کارشناسان بیرونی بالا نیست.

۶- ابزارها و شیوه‌های ارتقای مشارکت

به طور کلی نتایج بدست آمده از جدول ۹ نشان می‌دهد که به ترتیب ۳۲ و ۱۲ درصد افراد در ازای کار در پروژه مدیریت خشکیدگی دستمزد دریافت نموده یا نهال مجانی یا ارزان قیمت دریافت کرده بودند. به کمتر از ۱۰ درصد

جدول ۹- ابزارها و شیوه‌های مالی- فیزیکی ارتقای مشارکت (n=۲۵۰)

بله	خیر	ابزار و شیوه‌های ارتقای مشارکت
۳۲	۶۸	دریافت دستمزد در ازای کار در پروژه مدیریت خشکیدگی
۸	۹۲	هدا جایزه آبگرمکن خورشیدی
۹/۶	۹۰/۴	دادن اجازه استفاده از زغال درختان آفت زده
۶/۸	۹۳/۲	واگذاری زمین جهت کشت نهال بادام، کنار یا بلوط
۶	۹۴	واگذاری اجازه بهره‌برداری از محصولات جنگلی
۶/۴	۹۳/۶	دادن کمک بلاعوض
۵/۶	۹۴/۴	دادن وام کم‌بهره
۱۲	۸۸	دادن نهال مجانی یا ارزان قیمت

۷- تحلیل عوامل موثر بر مشارکت مردم در مدیریت خشکیدگی

با توجه به جدول ۱۰، شرکت پاسخگو یا اعضای خانوار پاسخگو در دوره‌های ترویجی مدیریت جنگل و خشکیدگی جنگل رابطه معنی‌دار و مثبتی با مشارکت در مدیریت خشکیدگی جنگل‌های بلوط نشان داد. به بیان دیگر، افرادی که در دوره‌های ترویجی شرکت کرده بودند مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی نسبت به غیر شرکت‌کنندگان بیشتر بود. عضویت در تشکل مردمی دوستدار طبیعت با مشارکت رابطه معناداری با مشارکت افراد نداشت، یعنی مشارکت افراد عضو و غیرعضو تفاوت معنی‌داری نداشت و مشارکت همه آنها پایین بود.

با توجه به جدول ۱۱، شاخص مشارکت در تصمیم‌گیری، نظارت و ارزشیابی رابطه معنادار مثبتی در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ درصد با متغیرهای میزان خسارت خانوار ناشی از خشکیدگی، درصد جنگل آلوده شده/ خسارت دیده از خشکیدگی در منطقه، توانایی مالی خانوار در مشارکت، سرمایه اجتماعی خانوار در تعامل با کنشگران بیرونی، میزان مراجعه کارشناسان به خانوار در طی دو سال گذشته، شرکت اعضای خانوار در دوره‌های ترویجی مدیریت جنگل، میزان مداخله و حمایت مالی جهت ارتقای مشارکت، سطح سواد سرپرست، سطح سواد پاسخگو و توانایی فکری داشت.

جدول ۱۰- مقایسه میزان مشارکت برحسب دوره‌های ترویجی (n=۲۵۰)

معنی‌داری	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
مشارکت برحسب شرکت در دوره‌های ترویجی					
۰/۰۰۰	-۵/۱۵۴	۰/۹۰۸	-۰/۰۶۷	۲۳۹	خیر
		۱/۶۹۵	۱/۴۴۷	۱۱	بله
مشارکت برحسب عضویت در تشکل طبیعت					
۰/۸۳۴	۰/۲۱	۰/۹۷۹	۰/۰۰۵	۲۲۳	خیر
		۱/۱۷۸	-۰/۰۳۸	۲۷	بله

مداخله و حمایت‌های مالی برای ارتقای مشارکت رابطه معنی‌دار و مثبتی نشان داد. همچنین هر سه شاخص مشارکت رابطه معنادار منفی در سطح ۰/۰۱ درصد با متغیر فاصله روستا تا مرکز شهرستان داشتند، به این معنی که هرچه فاصله تا شهرستان بیشتر بوده مشارکت کمتر صورت گرفته است.

شاخص کل مشارکت با متغیرهای فاصله روستا تا جنگل، خسارت ناشی از خشکیدگی، درصد جنگل آلوده شده/ خسارت دیده از خشکیدگی در منطقه، سطح سواد سرپرست، سطح سواد پاسخگو، و توانایی فکری خانوار، توان مالی خانوار میزان سرمایه اجتماعی خانوار مربوط به تعاملات با کنشگران بیرونی، شرکت در دوره‌های ترویجی،

جدول ۱۱- همبستگی بین مشارکت در تصمیم‌گیری، نظارت و ارزشیابی و متغیرهای مؤثر بر آن (n=۲۵۰)

ضریب همبستگی	
۰/۰۴۶	فاصله روستا تا جنگل
-۰/۰۰۹	فاصله روستا تا جاده اصلی
-۰/۰۱۲	فاصله روستا تا مرکز دهستان
**۰/۱۸۷	فاصله روستا تا مرکز شهرستان
**۰/۲۳۷	خسارت خانوار ناشی از خشکیدگی
**۰/۳۰۱	درصد جنگل آلوده شده/ خسارت دیده در منطقه
*۰/۱۵۸	سطح سواد سرپرست
*۰/۱۶۲	سطح سواد پاسخگو
-۰/۰۱۶	عضویت خانوار در تشکل‌های روستا
-۰/۰۳۸	سطح دانش افراد در مورد خشکیدگی جنگل
*۰/۱۳۶	توانایی فکری مشارکت خانوار
**۰/۱۸۱	توانایی مالی مشارکت خانوار
-۰/۰۰۴	میزان سرمایه اجتماعی خانوار درون جوامع
**۰/۲۰۴	میزان سرمایه اجتماعی خانوار مربوط به تعاملات با کنشگران بیرونی
**۰/۲۸۵	مراجعه کارشناسان به خانوار در طی ۲ سال گذشته (۱)
**۰/۴۰۷	مداخله و حمایت‌های مالی برای ارتقای مشارکت
-۰/۰۰۵	میزان وابستگی خانوار به جنگل

*همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار، **همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار، (۱) همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای (Point-Biserial Correlation Coefficient)

دوره‌های ترویجی، مداخله و حمایت‌های مالی برای ارتقای مشارکت، و میزان وابستگی خانوار به جنگل به روش توام (Enter) وارد معادله رگرسیون چندمتغیره شدند. در تحلیل رگرسیون آزمون دوربین واتسون معادل ۲/۱۳۳ درصد بدست آمد که نشان داد، داده‌های وارد شده در معادله تا حد زیادی دارای استقلال هستند. همچنین مقدار آزمون F برابر با ۹/۳۷۸ محاسبه شد. مقادیر VIF برای متغیرهای مستقل ۱/۱۳۳ تا ۱/۶۷۱ محاسبه شد که با توجه به کمتر بودن از مقدار ۳ می‌توان گفت متغیرهای مستقل هم خطی چندگانه ندارند.

به منظور شناخت متغیرهای مؤثر بر مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و نظارت بر مدیریت خشکیدگی، متغیرهای فاصله روستا تا مرکز شهرستان، خسارت خانوار ناشی از خشکیدگی، درصد جنگل آلوده شده/ خسارت دیده در منطقه، سطح سواد پاسخگو، عضویت خانوار در تشکل‌های روستا، توانایی فکری مشارکت خانوار، توانایی مالی مشارکت خانوار، میزان سرمایه اجتماعی خانوار درون جوامع، میزان سرمایه اجتماعی خانوار مربوط به تعاملات با کنشگران بیرونی، میزان مراجعه کارشناسان به خانوار طی دو سال گذشته، شرکت در

جدول ۱۲- ضرایب رگرسیون متغیرهای موثر بر مشارکت در تصمیم‌گیری (n=۲۵۰)

ضرایب استاندارد			ضرایب غیر استاندارد			
VIF	Sig.	t	Beta	S.E.	B	
.	۰/۲۹۶	-۱/۰۴۷	.	۰/۳۱۵	-۰/۳۳	مقدار ثابت
۱/۵۶	۰/۳۶۸	۰/۹۰۲	۰/۰۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	درصد جنگل‌های آلوده شده
۱/۳۷	۰/۰۱۱	-۲/۵۵۸	-۰/۱۵۸	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۶	فاصله روستا تا مرکز شهرستان
۱/۲۶۳	۰/۰۳۵	۲/۱۱۹	۰/۱۲۶	۰/۰۲۷	۰/۰۵۷	سطح سواد پاسخگو
۱/۴۵۵	۰/۵۹۱	-۰/۵۳۸	-۰/۰۳۴	۰/۰۶۸	-۰/۰۳۶	توانایی فکری مشارکت خانوار
۱/۲۴۴	۰/۱۰۸	-۱/۶۱۱	۰/۰۹۵	۰/۰۸۴	۰/۱۳۶	توانایی مالی مشارکت خانوار
۱/۲۹۴	۰/۰۰۰	۴/۴۵۵	۰/۲۶۸	۰/۰۴۳	۰/۱۹۲	مداخله و حمایت‌های مالی برای ارتقای مشارکت
۱/۴۳۲	۰/۰۳۱	-۲/۱۷۱	-۰/۱۳۷	۰/۱۰۳	-۰/۲۲۳	سرمایه اجتماعی خانوار درون جوامع
۱/۴۳۹	۰/۰۳۱	۲/۱۷۲	۰/۱۳۸	۰/۰۶۳	۰/۱۳۷	میزان سرمایه اجتماعی خانوار مربوط به تعاملات با کنشگران بیرونی
۱/۲۰۶	۰/۰۰۲	۳/۱۸۹	۰/۱۸۵	۰/۰۸۶	۰/۲۷۴	خسارت ناشی از خشکیدگی
۱/۵۰۲	۰/۰۰۱	۳/۴۸۵	-۰/۲۲۶	۰/۰۸۳	-۰/۲۸۹	عضویت خانوار در تشکل‌های روستا
۱/۱۳۳	۰/۷۸۴	۰/۲۷۴	۰/۰۱۵	۰/۱۳۲	۰/۰۳۶	مجموع میزان وابستگی خانوار به جنگل
۱/۵۱۱	۰/۰۸۶	۱/۷۲۷	۰/۱۱۲	۰/۰۵۳	۰/۰۹۱	میزان مراجعه کارشناسان به خانوار در طی ۲ سال گذشته
۱/۶۷۱	۰/۰۴۳	۲/۰۳۱	۰/۱۳۹	۰/۳۳۲	۰/۶۷۵	شرکت در دوره‌های ترویجی

 $R^2 = ۰/۳۴۱$ $R = ۰/۵۸۴$

بحث

در مطالعه نظام‌های اجتماعی- اکولوژیکی، نه تنها لازم است نظرات متخصصان در مورد بحران‌های زیست‌محیطی بررسی شود، بلکه لازم است ادراک و نگرش جوامع محلی نیز تحلیل گردد. این نوع دیدگاه‌ها تاثیر مستقیمی بر نوع رفتار اعضای جوامع محلی از جمله مشارکت آنها خواهد گذاشت. نتایج این مطالعه نشان داد که جامعه روستایی ساکن در مناطق جنگلی به خسارات مختلف خشکیدگی جنگل پی‌برده‌اند و زندگی آنها تاحدی تحت تاثیر این بحران قرار گرفته است. علی‌رغم این مساله، از سوی سازمانهای مرتبط، فرصت بسیار کمی برای مشارکت آنها در تصمیم‌گیری، نظارت و ارزشیابی فعالیت‌های مدیریت

با توجه به معنادار شدن آزمون F، می‌توان نتیجه گرفت که حداقل یکی از متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیون معنادار بودند از جمله می‌توان به طور مثبت و معناداری به سطح سواد پاسخگو، مداخله و حمایت‌های مالی برای ارتقای مشارکت، خسارت ناشی از خشکیدگی، میزان سرمایه اجتماعی خانوار مربوط به تعاملات با کنشگران بیرونی، شرکت در دوره‌های ترویجی اشاره نمود. همچنین فاصله روستا تا مرکز شهرستان، سرمایه اجتماعی خانوار درون جوامع، عضویت خانوار در تشکل‌های روستا به طور منفی بر مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری اثر گذاشته است. متغیرهای مذکور ۳۴/۱ درصد از تغییرات متغیر مشارکت را تبیین نمودند.

مطالعات متعددی را نیز مورد تایید قرار می‌دهد (Flint & Luloff, 2007; Gurunathan & Govindaraj, 2012; Heidari *et al.*, 2014; Karamidehkordi, 2012; Solomon *et al.*, 2015). در واقع به غیر از عوامل فردی خانوارها، عوامل اجتماعی-اقتصادی همچون دانش و مهارت آن‌ها، سرمایه اجتماعی درون جوامع و ارتباط با کنشگران بیرونی، وابستگی خانوارها به منابع جنگل و آسیب‌پذیری خانوارها ناشی از خسارت‌های وارد شده به جنگل نقش به‌سزایی در مشارکت خانوارها دارد. مداخله‌گری‌های نهادی از جمله برنامه‌های ترویجی و حمایت مالی- فیزیکی از خانوارها نیز در ارتقای دانش جامعه و تسهیل مشارکت اثر گذارند، هرچند بسیار محدود ارائه شده‌اند و هنوز برنامه‌های مناسبی برای توانمندسازی یا بهبود توانایی‌های افراد تدوین نشده و توانایی مردم برای مشارکت به خوبی ارتقا پیدا نکرده است. در نتیجه وقتی توانایی‌های مردم در مشارکت ارتقا پیدا نکند، کارشناسان هم عملاً گرایشی به دخالت دادن فعال مردم در تصمیم‌گیری فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی نخواهند داشت. در واقع، کارشناسان عمدتاً بدون اطلاع رسانی و بدون نظرخواهی از مردم، با رویکرد تخصص‌گرایانه خود به موضوع مدیریت خشکیدگی نگاه کرده‌اند.

مدیریت خشکیدگی درختان بلوط مستلزم مسئولیت-پذیری همه افراد جامعه، و حفاظت و بهره‌برداری صحیح و اصولی از منابع اکوسیستم جنگل است. همچنین احیا و توسعه‌ی عرصه‌های جنگلی نیازمند همیاری مردم و مسئولین و دادن بخشی از مسئولیت نگهداری و صیانت از جنگل به خود مردم است. در این راستا لازم است فضای مشارکت در فعالیت‌های مدیریت خشکیدگی برای همه روستاییان در همه گروه‌های سنی، تحصیلی و شغلی مختلف فراهم شود. استفاده از مشوق‌های مادی و ارائه برنامه‌های ترویجی از طریق رسانه‌های ارتباطی میان‌فردی و جمعی می‌تواند به بهبود توانایی‌های فکری، اجتماعی و مادی خانوارها و جوامع روستایی در جهت تقویت مشارکت آنها در مراحل تصمیم‌گیری، نظارت و ارزشیابی فعالیت‌های

خشکیدگی فراهم شده است و این مشارکت محدود بیشتر در مرحله شناسایی خشکیدگی و حفاظت از اقدامات انجام شده در راستای مدیریت خشکیدگی بوده است. این یافته با مطالعات قبلی مبنی بر مشارکت دادن کم جامعه روستایی در مدیریت منابع طبیعی (Fodsi *et al.*, 2013; Heidari *et al.*, 2014; Karamidehkordi & Ansari, 2012; Khalighi *et al.*, 2006; Moghim, 2007) و بویژه مدیریت هماهنگ و جامع جنگل (Loo *et al.*, 2014) همخوانی دارد که خود می‌تواند یکی از دلایل عدم موفقیت برنامه‌های حفاظت از جنگل‌ها باشد. در واقع، مردم در تصمیم‌گیری، نظارت و ارزشیابی مدیریت خشکیدگی مشارکت فعال ندارند. بنابراین باید مشارکت خودجوش، مشارکت تعاملی، و مشارکت کارکردی تقویت شوند تا شاهد حفاظت، و احیای بهتر جنگل باشیم.

پژوهش همچنین نشان داد که توان فکری و دانشی، توان فیزیکی و جسمانی افراد در مشارکت در مدیریت خشکیدگی تاحدی وجود دارد، ولی توانایی مالی مردم در فعالیت مدیریت خشکیدگی پایین است. این نشان می‌دهد که مردم از لحاظ مالی کمتر می‌توانند هزینه‌های مربوط به تامین وسایل یا نهاده‌های فیزیکی جهت مدیریت خشکیدگی را تامین نمایند. لذا اگر بستری برای مشارکت خودجوش مردم فراهم شود، تاحدی می‌توانند نیروی فیزیکی خود را در مدیریت خشکیدگی جنگل قرار دهند. مشارکت مردم در مدیریت خشکیدگی تحت تأثیر متغیرهای ادراک آنها از خسارت ناشی از خشکیدگی، درصد جنگل آلوده شده/ خسارت دیده از خشکیدگی در منطقه، توانایی مالی خانوار در مشارکت، سرمایه اجتماعی خانوار در تعامل با کنشگران بیرونی، میزان مراجعه کارشناسان به خانوار در دو سال گذشته، شرکت اعضای خانوار در دوره‌های ترویجی مدیریت جنگل، میزان مداخله و حمایت مالی جهت ارتقای مشارکت، سطح سواد سرپرست، سطح سواد پاسخگو و توانایی فکری خانوارهای روستایی در مشارکت، فاصله روستا تا مرکز شهرستان، توانایی فیزیکی-جسمانی خانوار در مشارکت، و وابستگی خانوار به جنگل است. این یافته‌ها

- dieback and its relation with some environmental factors and road network. *Journal of Wood and Forest Science and Technology*, 19(3): 159-174 (In Persian).
- Flint, C.G. and Luloff, A.E. 2007. Community activeness in response to forest disturbance in alaska. *Society and natural resources*, 20(5): 431-450.
 - Fodsi, L., Bahram Mohammadi, G., Sadeghi, S., Bagherian, R. and Neinaevae, S. 2013. Relation between watershed management knowledge and people participation in rural development. *Professional Journal of Social Science*, 7(22): 63-76.
 - Forest Rangelands and Watershed Management Organisation. 2014. Oak tree dieback in the zagros forest ecosystem Tehran: Forest, Rangelands and Watershed Management Organisation or Iran (In Persian).
 - Forest Rangelands and Watershed Management Organisation. 2015. The decline of zagros forest ecosystem Tehran: Forest, Rangelands and Watershed Management Organisation or Iran (In Persian).
 - Frank, G. and Müller, F. 2003. Voluntary approaches in protection of forests in austria. *Environmental Science & Policy*, 6(3): 261-269.
 - Gurunathan, S. and Govindaraj, S. 2012. Drivers of natural resources conservation and participation in forest development programmes-a socio economic analysis of forest dwellers'role in sittilingi valley forests of tamil nadu. Paper presented at the Proceedings of International Forestry and Environment Symposium.
 - Heidari, G., Rastegar, S. and Forotani, B. 2014. Investigating socio-economic factors affecting the participation of local communities in the sustainable management of rangelands (case study: Bahar rangelands in hamadan province). *Journal of Rangeland Management*, 1(2): 89-110 (In Persian).
 - Karamidehkordi, E. 2012. Analysing people's participation in rural area post disaster reconstruction projects and mechanisms for enhancing participation Tehran: Islamic Republic Housing Foundation (In Persian).
 - Karamidehkordi, E. and Ansari, A. 2012. Impact of rangeland and watershed management on sustainable rural households' livelihoods in the zanjan township. *Agricultural Modern Technologies, Special Issue of Agricultural Extension and Education*, 5(2): 136-107 (In Persian).
 - Khalighi, N., Chakoshy, B. and Kia, M. 2006. A study of the role of population, indigenous technology and ownership in people's participation in rangelands

مدیریت خشکیدگی کمک کند. از جمله مکانیسم‌های مهم در این زمینه عبارت است از افزایش توان فکری و ایجاد تعاملات میان‌فردی بیشتر بین کارشناسان منابع طبیعی و جوامع روستایی از طریق برگزاری جلسات، کارگاه‌ها، میزگردهای کارشناسی و دوره‌های ترویجی در راستای افزایش آگاهی مردم در مورد پدیده‌ی خشکیدگی و اهمیت این پدیده. همچنین می‌توان افزایش مهارت‌های افراد جهت فعالیت‌های اجرایی مدیریت خشکیدگی اعم از فعالیت‌های مکانیکی و بیولوژیکی، حفاظت، نظارت و ارزشیابی پروژه‌های مدیریت خشکیدگی، سازماندهی و تقویت تشکلهای مردمی جهت بدست گرفتن برنامه‌های مدیریت خشکیدگی و تعامل بهتر با سازمان‌های بیرونی را مطرح کرد.

هرچند سرمایه اجتماعی درون جوامع روستایی نسبتاً بالاست، ولی سرمایه اجتماعی مربوط به روابط و اعتمادها با کارشناسان و سازمان‌های بیرونی مرتبط با مدیریت جنگل پایین است. علاوه بر این سرمایه اجتماعی درون جوامع روستایی در فرایند مشارکت در مدیریت خشکیدگی بکار گرفته نشده است، در نتیجه می‌توان گفت سرمایه اجتماعی در مدیریت خشکیدگی پایین است. در واقع کارشناسان بیرونی نتوانسته‌اند از ظرفیت‌ها یا سرمایه‌های اجتماعی به خوبی استفاده کنند. بنابراین با تقویت مشارکت به شکل مشارکت کارکردی یا تعاملی ظرفیت‌های اجتماعی را باید به سمت سازماندهی شدن، تشکلهای مردمی حرکت داد. در نتیجه خود مردم می‌توانند نقش واقعی‌تر را در مشارکت ایفا کنند.

References

- Al-Subaiee, F. 2014. Attitudes of locals and their dependence on the natural forests: A case study of al-baha area-saudi arabia. *JAPS, Journal of Animal and Plant Sciences*, 24(2): 643-650.
- Arefipour, M.R., Askary, H., Zarghani, H., Niknejat, M., Salari, A.N., and Jami, F. 2006. Report of cryphonectria parasitica causing agent of chestnut blight from Iran. *Forest and Range Protection Research*, 4(1): 41-43 (In Persian).
- Barazmand, S., Shataei, S., Kavosi, M.R., and Habashi, H. 2013. Spatial distribution of tree crown

- dieback in the kohgiluyeh and boyer-ahmad province. Yasoj: Natural Resources and Watershed Management Administration of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province (In Persian).
- Parvaneh, E., Eetemad, V., Zobeiri, M. and Marvie Mohadjer, M.R. 2011. Investigation on the effect of tree forms on characteristics of quercus brantii (quercus persica(seeds (case study: Zagros forests, gilane gharb). Iranian Journal of Forest, 3(3): 223-232 (In Persian).
 - Pezeshki-Raad, G. and Karamidehkordi, E. 2012. Social statistics and data analysis in agricultural extension, development and education. Tehran: Tarbiat Modares University Press.
 - Pretty, J.N., Guijt, I., Thompson, J. and Scoones, I. 1995. A trainer's guide for participatory learning and action. Iied participatory methodology series. International Institute for Environment and Development, London.
 - Solomon, T., Oda, M., Olata, G. and Girma, B. 2015. Factors determining establishment of participatory forest management (pfm): The case of konso woreda gocha kebele, ethiopia. Journal of Biology, Agriculture and Healthcare, 5(7): 183-186.
 - Woo, S.Y. 2009. Forest decline of the world: A linkage with air pollution and global warming. African Journal of Biotechnology, 8(25): 7409-7414.
 - proper exploitation (chahkand watershed, birjand). Journal of the Iranian Natural Resources, 59(3): 741-757 (In Persian).
 - Krejcie, R.V. and Morgan, D.W. 1970. Determining sample size for research activities. Educational and Psychological Measurement, 30(3): 61-607.
 - Loo, J., Souvannavong, O. and Dawson, I.K. 2014. Seeing the trees as well as the forest: The importance of managing forest genetic resources. Forest Ecology and Management, 333: 1-8.
 - Modaberi, A. and Khademikia, S. 2014. Impact of dust on zagros flora Paper presented at the National conference of Sustainable Agriculture and Natural Resources Management, 30 January 2014, Mehr Arvand Higher Education Institution (In Persian).
 - Moghim, H. 2007. Participatory watershed management research projects of consultant engineers and existing problems. Forest and Rangeland, 75: 41-43.
 - Natural Resources and Watershed Management Administration. 2013. Oak forest trees dieback in the kohgiluyeh and boyer-ahmad province. Yasoj: Natural Resources and Watershed Management Administration of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province (In Persian).
 - Natural Resources and Watershed Management Administration. 2015. Assessment report of control and prevention and combating oak forest trees

Archive

Participation of Rural Communities in Decision Making, Monitoring and Evaluation of the Oak Forest trees Dieback Management in the Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province

E. Karamidehkordi^{1*}, R. Mansori Nejad² and J. Rahimian³

1* - Corresponding author, Faculty of Natural Resources, Agricultural Extension, Communication and Rural Development Department, University of Zanjan, Iran. E-mail: e.karami@znu.ac.ir

2-Agricultural Extension, Communication and Rural Development Department, University of Zanjan, Iran.

3-Natural Resources and Watershed Management Administration of the Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province, Iran.

Received: 09.03.2017

Accepted: 06.02.2018

Abstract

Iran's Zagros forests have faced with the Dieback phenomenon in the recent decade. This crisis has become a major concern for stakeholders, including rural and nomadic communities. The success of dieback management involves the participation of these communities, who depends on the forests. This paper aims to investigate participation of rural communities in the decision making, developing, monitoring and evaluation of the oak forest trees dieback management projects. In this descriptive-explanatory study, the data were collected through structured interviews. A sample of 250 rural households living in the surrounding of the damaged forests in the Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad province were randomly selected through a multi-stage sampling technique. The content validity of the questionnaire was assessed through a panel of experts and its reliability was confirmed using a pilot study and the Alpha Chronbach Test (0.662-0.981). A confirmatory factor analysis was utilized for analyzing construct validity. Most respondents had a poor participation in decision making, monitoring and evaluation in all the stages of dieback management activities. The participants were mostly in the position of the inactive information receivers or providers at the stage of diagnosing dieback and conserving the implemented projects. The participation was significantly and positively explained by variables such as the effect of dieback damage on rural households' livelihoods, forest area proportion infected with dieback, level of education, the financial abilities and knowledge to participate in the projects, interaction between rural households and external actors, participating in extension training courses, and financial support from external organizations to enhance participation.

Key words: Participation, rural households, forest, dieback management, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province.